

ریخت شناسی جنبش صلح طلبی اسرائیل*

ژیلاسویرسکی

برگردان: دکتر احمد گل محمدی

در اواخر سپتامبر ۲۰۰۰ که انتفاضه مسجدالاقصی آغاز شد، جنبش‌های صلح اسرائیل از دو اردوگاه کلی تشکیل می‌شد: سازمان فراگیر متمایل به دیدگاه عمومی جامعه که «صلح - اکنون» نام دارد؛ و گروه‌های کوچک پرشمار پیشرو که محور برنامه‌های همه آنها پایان دادن به اشغال اسرائیل و خروج از تقریباً همه بخش‌های ساحل غربی، غزه و اورشلیم شرقی است. برای این گروه‌های کوچک چندان اهمیتی ندارد که اکثر اسرائیلی‌ها چنین برنامه‌هایی را افراطی تلقی کنند.

از تابستان پیش از انتفاضه شروع شد که طی آن، اسرائیلی‌ها، پس از شنیدن روایت ایهود باراک از رویدادهای کمپ دیوید، ناممکن بودن مذاکره صلح را کم‌کم باور کردند. گرایش افکار عمومی به راست در جریان انتفاضه ادامه یافت و رهبری اسرائیل با کمک رسانه‌های اسرائیلی، فلسطینی‌ها را متجاوز و انمود کرده، تصویری از اسرائیل به دست می‌داد که با محدودیتی شدید، صرفاً از خود و شهروندان خود در مناطق مختلف دفاع می‌کند. جدیدترین

عناصر و گروه‌های تشکیل دهنده این دو اردوگاه با یک افکار عمومی روبرو بودند که به سرعت راست‌گرا می‌شد. این گرایش به راست

* این متن ترجمه‌ای است از:

Gila Svirsky, "The Israeli Peace Movement Since The Al- Aqsa Intifada" in **The New Intifada: Resisting Israel's Apartheid**, ed. by Roane Carey, (London: Verso, 2001).

مرحله گرایش به راست هنگامی شکل گرفت که خشونت به خود اسرائیل کشیده شد. در این رابطه می‌توان نه تنها به عملیات انتحاری توسط افراد و خودروهایی بمب‌گذاری شده در اورشلیم، نتانیا، کفر صبا و جاهای احتمالی دیگر که آنان می‌دانستند، بلکه به خمپاره‌اندازی از حوزه استحفاظی حکومت خود گردان به خود اسرائیل در کنار نوار سبز اشاره کرد.

اکنون نسبت به هر زمان گذشته، شمار بسیار بیشتری از اسرائیلی‌ها باور می‌کنند که اسرائیل در موضع دفاعی قرار دارد نه در موضع تهاجمی، عرفات «یاوری» در راه دست یابی به صلح نیست، و سیاست مشت آهنین اسرائیل در مناطق مختلف واکنشی درست است.

واکنش اردوگاه صلح اسرائیل به انتفاضه مسجدالاقصی به این دو صورت بوده است که توصیف کردیم: گروه‌های پیشرو گرایش به راست را رد کرده، سرسختانه خواهان پایان اشغال سرزمین فلسطینی‌ها هستند، در حالی که سازمان «صلح - اکنون» در این دوره، به استثنای هشدار دادن نسبت به گسترش اسکان یهودیان در سرزمین‌های متعلق به فلسطینی‌ها، در واقع سکوت اختیار کرده است. سازمان «صلح -

آغاز واکنش اردوگاه پیشرو

آنچه که «اردوگاه پیشرو» جنبش صلح می‌نامد، در سه ماه نخست انتفاضه فقط واکنش‌هایی پراکنده نشان می‌داد. دو هفته پس از آغاز انتفاضه مسجدالاقصی، حزب هاداش - که اکثراً موضعی کمونیستی دارد - و جنبش گوش شالوم (جبهه صلح) تظاهراتی در تل‌آویو و حیفا برگزار

اکنون» همیشه مرکزگرا و نزدیک به دو حزب کارگر و مَرْتز بوده است و هنگامی که آن احزاب در مصدر قدرت باشند، از انتقاد آشکار سیاست‌ها و عملکردهای حکومت پرهیز می‌کند. هنگامی که حکومت اسرائیل کمپ دیوید را، به غلط، چونان شاهد سر سختی

کرده، خواستار پایان دادن به اشغال سرزمین های فلسطینی شدند. در نوامبر هم به دعوت جنبش نیو پروفایل (New Profile) که گروهی متعلق به زنان مخالف نظامی گری است، زنان تظاهراتی چشمگیر برگزار کردند تا کشته شدن سیزده عرب اسرائیلی تبار به دست پلیس اسرائیل در جریان تظاهرات برگزار شده به حمایت از انتفاضه در داخل اسرائیل را محکوم کنند. ولی جز این دو، هیچ اعتراض گسترده‌ای در طول سه ماه نخست انتفاضه صورت نگرفت.

با شکل‌گیری جنبش صلح زنان متحد (تأسیس شده در ۸ نوامبر) که هشت سازمان گوناگون صلح زنان را در قالب «ائتلاف زنان برای صلحی عادلانه» یکپارچه ساخت، این وضع سکوت و انفعال نسبی دگرگون شد. بزرگ‌ترین و فعال‌ترین اعضای این ائتلاف عبارت بودند از بات شالون، طرف اسرائیلی یک انجمن همکاری اسرائیلی-فلسطینی؛ نیوپروفایل که با مسائل مربوط به نظامی گری سروکار دارد و از معترضین منصف و اصولی پشتیبانی می‌کند؛ تاندی، زنان عمدتاً عرب مرتبط با حزب کمونیست اسرائیل؛ گروه زنان و مادران خواهان صلح که محصول بازسازی چهار جنبش متعلق به مادران است و در خروج اسرائیل از لبنان نقش مؤثر داشت؛ و زنان سیاه پوست که از آغاز انتفاضه پیشین - سیزده سال پیش - هر هفته یک ساعت مراسم بیدارمانی برپا کرده، پایان اشغال سرزمین های فلسطینی را خواستار شده‌اند.

با وجود تفاوت های سیاسی میان سازمان های تشکیل دهنده جنبش صلح زنان، نوعی احساس اضطرار، زنان را وادار به تدوین و جانداختن یک رشته اصول سیاسی کرده است که در چارچوب آن هر شخصی حاضر به فعالیت باشد. این اصول عبارت‌اند از: پایان دادن به اشغال سرزمین فلسطینی‌ها، شناسایی اورشلیم به عنوان پایتخت مشترک دو دولت [اسرائیلی و فلسطینی]، درخواست از اسرائیل برای پذیرفتن مسئولیت خود در مورد پیامدهای جنگ ۱۹۴۸، یافتن راه حلی مناسب و عادلانه برای پناهندگان فلسطینی، و تقاضا از زنان برای مشارکت کامل در مذاکرت مربوط به صلح. به نظر می‌رسید نخستین اقدام عمده در ۲۹ دسامبر، انفعال و بی‌حرکی ایجاد شده، حتی میان سازمان‌های پیشرو، را از بین می‌برد. تصویری که از آن تظاهرات ترسیم کرده، با اینترنت به هزاران پشتیبان صلح در سراسر جهان فرستادم، بخش از شور و هیجان شرکت کنندگان را نشان می‌دهد:

دیروز اسرائیل شاهد عظیم‌ترین تظاهرات برای صلحی عادلانه بود که از زمان آغاز انتفاضه در طول سه ماه پیش برگزار شده است... و رویدادی اسرائیلی - فلسطینی بود. تظاهرات از یک مرکز گردهمایی آغاز شد که دو پرچم بزرگ دارای عباراتی به زبان عبری و عربی بر دیوارهای اطراف آن نصب شده بود: «خواستار زنان این است: اشغال نه، صلح عادلانه آری»

نتوانستند و بدون جلب توجهی، از صحنه بیرون رفتند.

ساعت ۲ بعد از ظهر جمعیت از میدان و مناطق اطراف آن بیرون آمدند و ما راهپیمایی خود را به سوی اورشلیم شرقی آغاز کردیم. زنان و مردانی که از دیگر سازمان‌ها به ما پیوسته بودند- سازمان گوش شالوم یک اتوبوس از فعالان خود را آورده بود - پرچم‌های سازمانی و نشانه‌های صلح خود را بالای دست گرفته بودند. با پرشدن خیابان‌ها از راهپیمایی کنندگان و صدای آنها، منظره‌ای تکان‌دهنده شکل می‌گرفت. نایبلا اسپانیولی یک فلسطینی اهل نزاره، بلندگویی دستی در اختیار گرفته، فریاد می‌زد: «صلح؟» «آری!» «اشغال؟» «نه». او همچنین این شعارها را به زبان عبری، عربی، انگلیسی و حتی به زبان ایتالیایی برای هیئتی سی و پنج نفری که در آن محل حضور داشتند ترجمه می‌کرد. مردم نشانه‌ها و پرچم‌ها را تکان داده، فریاد می‌زدند که «فلسطین در کنار اسرائیل در چارچوب مرزهای سال ۶۷»، «اورشلیم - دو پایتخت برای دو دولت»، «دوران ژنرال‌ها به سر رسیده است»، «فقرا را تأمین کنید نه مهاجران را» و «ما نمی‌خواهیم دشمن یکدیگر باشیم».

شرکت در آن راهپیمایی پرهیجان بود. سرانجام به کنار دیوارهای باستانی «شهر

زنان فلسطینی و اسرائیلی به نوبت پشت تریبون قرار گرفته، با شور و احساس درباره مصایبی که تحمل می‌کنند و عزم راسخ خود برای پایان دادن به خونریزی‌های میان مردم، سخن می‌گفتند. فقط دو تن از آنها را نام می‌برم: میکائیل پونداک - ساجی، عضو فعال نیو پروفایل، از سربازان می‌خواست از اجرای فرمان‌هایی که وجدانشان اجازه نمی‌دهد خوداری می‌کنند. زهرا کمال، یک سخنگوی برجسته توده‌ای زنان فلسطینی مقیم سرزمین‌های اشغالی، اعلام کرد که اصول «ائتلاف زنان برای صلحی عادلانه» فراهم کننده چارچوبی منطقی برای صلح میان مردم ما است.

پس از گرد همائی، اتوبوس‌های آماده کل جمعیت را به محل جمعیت بیدارمانی زنان سیاه‌پوست بردند و حدود ۲۰۰۰ زن سیاه‌پوش سرتاسر میدان و حتی خیابان‌های اطراف را با در دست داشتن تابلوهای دستی سیاه سنتی که بر روی آنها عبارت «به اشغال پایان دهید» به سه زبان عربی و انگلیسی نوشته شده بود، پر کردند. این بیدارمانی خاموش یک ساعته احساس برانگیزتر از حد معمول بود. راستگرایان افراطی نهایت تلاش خود را می‌کردند تا بین ما نفوذ کرده، با تحریکاتی توجه ما را به خود جلب کنند، و در نهایت، کار این گفتگو و بحث به پلیس ختم شود، ولی

بخش و به آنان صلح عطا کن.» نهایتاً با فریاد «ما پیروز خواهیم شد» مراسم را به پایان بردیم.

به نظر می‌رسید این رویداد پاسخی بود به پرسش طرح شده در اردوگاه پیشرو جنبش صلح درباره این که آیا ممکن است شمار زیادی از اسرائیلی‌ها در تظاهرات علیه اشغال سرزمین‌های فلسطین شرکت کنند.

از تظاهرات تا مقاومت فعال

رویداد نامبرده به ائتلاف زنان شجاعت بخشید تا به اقدامات جسورانه‌تری متوسل شود و این واقعیت که علی‌رغم حداکثر تلاش‌های یک نماینده با تجربه PR، رسانه‌های خارجی و محلی تظاهرات باشکوه فلسطینی - اسرائیلی‌ها را تقریباً نادیده گرفتند، چنین گرایشی را تقویت کرد.

ائتلاف زنان سپس به یک رشته نافرمانی‌های مدنی و مسالمت‌آمیز علیه اقدام اسرائیل به «بستار» سرزمین‌های اشغالی - محاصره واقعی شهرها و روستاها توسط نیروهای اسرائیلی - دست زد. در نخستین اقدام به تاریخ ۴ فوریه، هفده نفر - عمدتاً زن - که روی جاده منتهی به وزارت دفاع اسرائیل در تل آویو دراز کشیده بودند تا از ورود خودروها به آنجا جلوگیری می‌کنند، دستگیر شدند. گرچه برخی روزنامه‌نگاران از رفتار خشن پلیس هنگام کشیدن زنان تظاهرکننده بر روی زمین عکس برداری کرده بودند، هیچ روزنامه یا شبکه

قدیم» اورشلیم رسیده، شادمان و منتظر مراسم پایانی، زیر سایه آن دیوارها روی چمن پراکنده شدیم. به خاطر فشار جمعیت، دستگاه و سیستم صوتی هنوز نرسیده بود، ولی مردم صبورانه منتظر بودند. در این هنگام چهارزن شجاع، پرچم‌هایی به دست گرفته از داخل «شهر قدیم» - برخی با پله ولی یک نفر از آنان فقط با پرش‌های جسورانه - به روی دیوار آمده، کاملاً بالای سر جمعیت، بین دو سرباز مسلح «حافظ» ما، قرار گرفتند. آنان در حالی که به سه زبان فریاد می‌زدند «صلح» و به «اشغال پایان دهید»، چهار پرچم را از بالای دیوار برافراشتند. جمعیت با صدای بلند سخنان آنان را تأیید می‌کردند و «شهر قدیم» برای لحظه‌ای کوتاه تاج صلح بر سر اورشلیم گذاشته بود، تا اینکه سربازان بلافاصله بر دوتن از زنان چیره شده، پرچم‌هایشان را گرفتند. ولی لحظه‌ای باشکوه بود.

سرانجام سیستم صوتی برقرار شد و هاله اسپانیولی (خواهر نابیلا) به نحو تأثیرگذاری در این باره سخن گفت که ما همه در آرزو و حسرت صلح هستیم. سپس یک دقیقه سکوت به یاد همه افراد کشته شده در ماه‌های اخیر اعلام شد و سکوت جمعیت کاملاً آشکار بود. به دنبال این اقدام، یک نیایش یهودی نسبتاً کوتاه کردم: «پروردگارا به این بندگان خود توانایی



خندقی که سربازان حفاظت می کردند حمله ور شدیم. ولی از آنجا که شمار ما بیشتر از سربازان بود، آنان تیراندازی نکردند و ما به آسانی عبور کردیم. به محض رسیدن به خندق، همه سعی کردند با ریختن سنگ و خاک آن را پر کنند. البته این کار ناممکن به نظر می رسید، زیرا ما ابزارهای بسیار اندکی داشتیم و خندق بسیار عمیق و عریض بود. بدتر این که زمین بسیار سخت و صخره ای بود و کندن آن برای پر کردن خندق بسیار دشوار.

کمی پس از آغاز کار، خندقی دیگر به طول حدود پنجاه متر (تقریباً ۱۶۰ پا) در نزدیکی خندق اول پیدا شد. نیمی از اعضای گروه به پر کردن خندق دوم پرداختند. ما به این نتیجه رسیدیم که برای شکستن محاصره رانتیس باید دو برابر کار کرد. ولی ناگهان سربازان حمله کرده، ابزارها را از دست ما قاپیدند. ما هم فریاد زدیم: «دای لاکي باش» که «به اشغال سرزمین ها پایان دهید» معنا می داد. برخی در برابر سربازان مقاومت کردند و برخی نکردند. به زودی سربازان همه ابزارهایی را که آورده بودیم گرفتند و چها نفر از ما را بازداشت کردند.

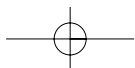
خاطر می آید که در آن لحظه نه از کار دست کشیدیم و نه درباره آنچه باید انجام می دادیم بحث کردیم. فقط خسته و

تلویزیونی گزارشی در این باره منتشر یا پخش نکردند. در دومین اقدام به تاریخ ۲۴ فوریه، زنان عضو ائتلاف کوشیدند از پست بازرسی در بیت لحم عبور کنند که باز هم پوشش خبری ناچیزی داشت.

در این مرحله، سازمان های در برگیرنده زنان و مردان فعالیت های خود را از سر گرفتند، و از این «پشتیبانی مشترک» الگویی پدید آمد که در جنبش صلح زمان انتفاضه پیشین به ندرت شکل می گرفت. باردیگر روحیه همکاری نتیجه احساس ضرورت در برابر خشونت فزاینده و بن بست و بستار تلخ و خشن بود. طبق معمول سازمان های شرکت کننده در این گونه اقدامات عبارت بودند از: گوش شالوم، خاخام های طرفدار حقوق بشر، کمیته اسرائیلی مبارزه با تخریب خانه ها، و ائتلاف زنان برای صلحی عادلانه. همه سازمان های شرکت کننده در این مورد توافق داشتند که راهبرد مقاومت مسالمت آمیز در برابر اشغال سرزمین ها بهترین گزینه است، و نخستین اقدام مشترک در ۲۳ مارس برای مقاومت در برابر محاصره رانتیس، یک شهر کوچک فلسطینی، صورت گرفت. درباره این رویداد، گزارش زیر را به اینترنت دادم:

امروز صبح همراه حدود ۳۰۰ عضو فعال باتوبوس راه افتادیم. ما اکثراً اسرائیلی بودیم، ولی از ملیت های دیگر هم شمار چشمگیری حضور داشتند. هنگامی که به نزدیک روستا رسیدیم، با بیل و بیلچه به

۹۰



ناراحت و دست خالی به جمع کردن سنگ و خاک و ریختن آن به درون خندق مشغول شدیم. برخی با سنگ و برخی هم با چوب زمین را می‌کنند. برخی پوسترها را (که عبارت «به اسکان یهودیان پایان دهید» بر آنها نقش بسته بود) مانند خاک اندازه‌های بزرگ روی زمین نگاه می‌داشتند، و دیگران هم ریگ و خاک روی آنها می‌ریختند تا به درون خندق ریخته شود. برخی از کودکان اهل رانتیس هم به ما پیوستند و بیش از دو ساعت در برابر آن آفتاب داغ کار کردیم. هنگامی که کار پایان یافت، همه از دیدن این که هر دو خندق واقعاً پرو راه قابل عبور شده بود شگفت زده شده بودند.

هنگامی که به خانه برگشته، دوش گرفتم و نشستم تا درباره این پیروزی کوچک با شما سخن بگویم، دینا که با یکی از اهالی روستای نامبرده دوست بود، زنگ زد. آن روستایی به دینا گفته بود که پس از رفتن جمعیت، ارتش اسرائیل بازگشته، با استفاده از ماشین‌های سنگین خندق‌های جدیدی کردند. البته ما چنین انتظاری داشتیم. به گفته او، نظامیان همچنین قالب‌های بتونی بزرگی در جلو خندق‌ها گذاشتند که بادست خالی و جسارت صرف نمی‌شد آنها را از میان برداشت. ماشین‌هایی که قالب‌ها را آورده بودند، با تخریب عمدی کشتزارهای

نخستین نمود عمده تأثیر این مقاومت بر طرف اسرائیلی در ۱۹۹۸ آشکار شد که کمیته اسرائیلی مبارزه با تخریب خانه‌های فلسطینیان به بازسازی خانه‌های ویران شده به دست ارتش اسرائیل اقدام کرد. بازسازی مورد نظر در جلب توجه توجیه بین‌المللی به این مسئله بسیار مؤثر بود، به ویژه هنگامی که خانه‌های بازسازی شده بلافاصله ویران شدند. مقاومت مورد بحث دیگر به صورت بخش جدایی‌ناپذیر عملیات و اقداماتی در آمده بود که دیگر سازمان‌های اسرائیلی پیشرو - نام برده شده، و نبرده شده - برنامه ریزی می‌کردند. افزون بر این، برخی افراد - به ویژه زنان جوان - با دراز کشیدن برابر بولدوزرهای ارتش و بستن خود به

محل اقامت چندین فرمانده ارتش است که هم امنیت مارا به خطر انداخته‌اند، هم امنیت کل منطقه را. بنابراین، به دلایل امنیتی، فردا (۱۱ آوریل) این شهر را محاصره خواهیم کرد تا این افراد خطرناک را از ادامه کارهای زیانبارشان باز داریم.» در این مورد هم از همان روش و عبارات نیروهای امنیتی اسرائیل استفاده شد.

گروهی دیگر با نام رفريم (Re Frame) ضمن راهپیمایی در اورشلیم، شعار «قیمومت انگلیس را بازگردانید!» را حمل می‌کردند. شاید این عبارت تماشاچیان را سر در گم می‌کرد، ولی پیام روشن بود: حکومت استعماری انگلستان بر فلسطین از بسیاری جهات بهتر از اشغالگری اسرائیل است. این مخالفت جوانان - اغلب جسور و شوخ طبع - با اشغالگری اسرائیل، به آشکار شدن نامعقولی اشغال سرزمین‌های فلسطینی و سست شدن باور عاملان اشغالگری به حق به جانب بودن خود کمک می‌کند.

دوم، گروه‌هایی از اسرائیلی‌ها عهده‌دار کمک - مواد غذایی، دارو، و لوازم دیگر - به روستاهای فلسطینی بوده‌اند. چنین عملی به چند دلیل سودمند است: باعث حمایت مادی می‌شود که بسیار مورد نیاز است. افکار عمومی را متوجه وضع اسفناک فلسطینی‌های در محاصره می‌کند، و ناقض مقررات ارتش اسرائیل در خصوص ممنوعیت ورود اسرائیلی‌ها به مناطق محاصره شده است. ارتش اسرائیل با پی بردن به این که چنین اعمالی نوعی اعتراض

درختان زیتون، که تلاشی برای جلوگیری از تخریب خانه و دارایی فلسطینی‌ها بود، مبارزه و مقاومت را گامی جلوتر بردند. البته همه این افراد بازداشت شدند. به هر حال از دیدگاه بسیاری افراد، اعتراض (به ادامه اشغال) آشکارا وارد مرحله نافرمانی مدنی و مسالمت‌آمیز شده بود.

دیگر انواع اعتراض به اشغال سرزمین فلسطینی

جنبش صلح به سه صورت مهم دیگر هم فعال بوده است: یک نوع فعالیت عبارت است از اعتراضات گروه‌های کوچکی از افراد ۲۰ الی ۴۰ ساله در قالب نمایش‌های خیابانی؛ مثلاً گروهی با نام «عمل مستقیم» سوار بر دو خودرو در خیابان‌های تل‌آویو گشت زده، اعلام می‌کردند که «در تل‌آویو مقررات منع رفت و آمد وضع شده است. اهالی به خانه‌های خود بروند. با افرادی که پس از ۷/۳۰ عصر در خیابان‌ها دیده شوند طبق معمول برخورد خواهد شد.» البته این عبارات مانند عباراتی بود که نیروهای امنیتی اسرائیل هنگام وضع مقررات منع آمد و رفت در نواحی فلسطینی نشین به کار می‌بردند. سه نفر از این فعالان به اتهام «ارعاب مردم» بازداشت شدند. همچنین به اصطلاح «گروه بستر عید فصیح»، کوخاو یائیر، یک محله خوب متعلق به اسرائیلی‌ها از جمله بسیاری از فرماندهان ارتش، را محاصره کردند. آنان اعلام کرده بودند: «کوخاو یائیر

هستند اغلب از آنها جلوگیری می‌کند و گاهی شرکت کنندگان را بازداشت می‌کند و این کار، به میزان زیادی باعث جلب توجه رسانه‌ها می‌شود. سازمان‌هایی که این گونه فعالیت می‌کنند عبارتند از: تآیوش (با عضویت و همکاری اعراب - یهودی‌ها) و «پنجره - کانال‌هایی برای ارتباط». برخی افراد هم چنین فعالیت‌هایی را سازمان داده‌اند.

سوم، خودداری از انجام خدمت نظامی نوعی دیگر از فعالیت در راه صلح است، هر چند روشن نیست که این عمل تا چه اندازه با ایدئولوژی ارتباط دارد. روزنامه دیلی تلگراف لندن طی مقاله‌ای به قلم اینی گو گیلومور (۱ آوریل ۲۰۰۱) گزارش داد که «اسرائیل در تلاش برای جلوگیری از شورش ربه گسترش علیه خدمت سربازی در کناره غربی و نوار غزه، ۶۰۰ سرباز ذخیره رازدانی کرده است... دست کم ۲۵۰۰ نظامی عضو نیروی احتیاط بدون اجازه محل خود را ترک کرده‌اند، در حالی که هزاران نفر دیگر به (معترضین نسبتاً وظیفه شناس) تبدیل شده‌اند، به این معنا که مدارک و شواهدی پزشکی یا شخصی جمع کرده‌اند، تا از انجام وظیفه معاف شوند.»

نیروهای امنیتی اسرائیل این آمارها را پنهان می‌کنند، ولی شواهدی روشن درباره بی میلی مردان اسرائیلی از معرفی خود برای گذراندن دوره احتیاط در ارتش وجود دارد. در ماه‌های اخیر سربازان ذخیره اسرائیل از طریق یک رشته تظاهرات، خواستار حقوق بیشتر، بیمه

درمانی بیشتر، و دیگر مزایای جنبی شده‌اند. نمایندگان مجلس هم برای تأیید و قانونی کردن آن خواست‌ها شتاب می‌کنند. واقعیت نامبرده حکایت از آن دارد که قانونگذاران آگاه از آمار و ارقام، بسیار بیشتر نگران هستند. گرچه شانه خالی کردن از خدمت نظام شاید، تا حدودی، به دلایل شخصی باشد تا دلایل ایدئولوژیک، خود همین گرایش «فرا ایدئولوژی» - کم‌رنگ شدن تصویر حماسی از ارتش - امید بخش است. نکته دیگر این که آمار و ارقام زندانی‌ها هر چه باشد، سازمان‌هایی که از معترضین وظیفه شناس پشتیبانی می‌کنند (نیو پروفایل) و حتی مردان جوان را از خدمت در سرزمین‌های اشغالی نهی می‌کنند (یش گول) از شمار فزاینده جوانانی که جویای کمک هستند خبر می‌دهند. این واقعیت بی‌گمان مایه خوشبینی است.

همکاری با فلسطینی‌ها

در پایان مقاله، سخنی هم درباره همکاری میان فعالان اسرائیلی و فلسطینی جنبش‌های صلح بگوئیم. فرضیه رایج در بین فلسطینی‌ها مبنی بر حرمت «عادی سازی» روابط با اسرائیلی‌ها - که در واقع قدمتی چندین ساله دارد ولی از آغاز انتفاضه مسجدالاقصی تشدید شده است - بی‌گمان مانعی در برابر فعالیت‌های مشترک بوده است. اکثر فعالیت‌های مشترک - گفتگو، پروژه‌های دانشگاهی، برنامه‌های مدرسه‌ای، فعالیت در راه صلح، و فعالیت‌های دیگر - کاملاً

که در هر دو طرف حضور دارند، ایتالیایی، آلمانی، امریکایی، انگلیسی، فرانسوی و شاید از بسیاری کشورهای دیگر هستند. در هر طرف حدود ۲۰۰ نفر حضور دارند. طبق توافق، فلسطینی‌ها حرکت را از هتل پارادایز در بیت لحم که در هفته‌های اخیر به شدت گلوله باران شده است آغاز کردند. اسرائیلی‌ها هم از صومعه مار الیاس حرکت کردند. مطابق زمان از پیش تنظیم شده، هر دو گروه همزمان به سوی پست بازرسی جدا کننده بیت لحم از اورشلیم، مرز آتی میان اسرائیل و فلسطین راهپیمایی کردند. ما بیشتر شعار «به اشغال سرزمین‌ها پایان دهید» و «محاصره شهرهای فلسطینی را متوقف کنید» حمل می‌کردیم، ولی اساساً پیام ما حد وسط این دو شعار - به هم پیوستن فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌های خواهان صلح - بود. ما انتظار نداشتیم عملاً بیشتر از فاصله معمول برای دست تکان دادن به هم نزدیک شویم که انتظاری خلاف واقع بود.

سربازان از ادامه راهپیمایی فلسطینی‌ها در جاده اصلی جلوگیری کردند، ولی آنان از خیابان‌های کناری به راه خود ادامه داده، حدود ۱۰۰ متری پست بازرسی ایستادند. اسرائیلی‌ها هم از جاده اصلی پیش رفته دقیقاً تا کنار ایست بازرسی که سربازان صف کشیده بودند تا جلو پیشروی بیشتر را بگیرند، آمدند. در این هنگام

متوقف شده است. گرچه فلسطینی‌ها به صورت فردی همچنان به اردوگاه صلح اسرائیل کمک می‌کنند (این کمک در زمینه انجام برخی فعالیت‌ها در محل سکونت فلسطینی‌ها اهمیتی حیاتی دارد)، این همکاری در سطح نهادی اصلاً وجود ندارد یا فقط به صورت موقتی است؛ مثلاً در اواخر سال ۲۰۰۰، زنان فلسطینی دو تظاهرات اعتراض آمیز در پست‌های بازرسی برگزار کرده، از زنان اسرائیلی خواستند «در کنار آنها، ولی به صورت جداگانه» تظاهرات کنند.

تظاهرات اول که با همکاری کامل در ۱۴ آوریل برگزار شد، صحنه‌ای بسیار تکان دهنده بود. من آن صحنه را چنین وصف کردم:

امروز روز بزرگی برای صلح در خاورمیانه است. صلح جویمان فلسطینی، اسرائیلی و بین‌المللی می‌کوشند موانع جداکننده ما از یکدیگر را از میان بردارند، حلقه‌های محاصره پی در پی سربازان اسرائیلی را بشکنند، و ما را به هم برسانند تا برای پایان دادن به اشغال سرزمین‌های فلسطینی و ایجاد صلحی عادلانه میان خود پیمان ببندیم. بانی و حامی این حرکت «مرکز آشتی»، یک سازمان صلح فلسطینی مستقر در بیت ساهور، نزدیک بیت لحم است. سازمان‌های اسرائیلی پشتیبان این حرکت عبارتند از: «ائتلاف زنان برای صلحی عادلانه»، «گوش شالوم»، «آشتی» و «کمیته مبارزه با تخریب خانه‌ها». فعالان بین‌المللی

بن بستنی شکل گرفته است. در این شرایط، سربازی مرا هل داده، می گفت: «شما شانسی در برابر ما ندارید»، و من پاسخ دادم: «شما قدرت یک هدف اخلاقی را به هیچ وجه درک نمی کنید» و یکی از ما کاملاً حق داشت، زیرا به زودی احساس کردم که آنان تسلیم می شوند و ما آنان را پس رانده، پیش رفتیم.

حلقه آنها از هم گسیخت و دوباره خود را بازسازی کردند. ما همچنان فشار می آوردیم که این وضع حدود نیم ساعت ادامه یافت تا این که آنان نتوانستند این گروه قدرتمند را مهار کنند و ما با فشار، کل حلقه سربازان را درهم ریخته، از میان آنان به اسرائیلی هایی که در کنار پست بازرسی نسبت به ما ابراز احساسات می کردند پیوستیم. لحظه به هم رسیدن دو گروه به اندازه ممکن روحیه بخش و دلگرم کننده بود. مردم سوت می زدند، کف می زدند، یکدیگر را در آغوش می گرفتند و دستان همدیگر را تکان می دادند. لحظه دیدار دوستان قدیمی و یافتن دوستان جدید بود. لحظه ای بس دلنشین و شیرین بود. سخن بسیار گفته می شد، ولی کسی صدای ما را نمی شنید و به حرف ما گوش نمی داد. درکل آنچه واقعاً اهمیت داشت حضور مشترک و همبستگی ما بود که در حسرت صلح، عدالت و شکل گیری یک دولت فلسطینی

سربازان اعلام کردند که اینجا یک «منطقه نظامی بسته» است. پس از اندکی مذاکره، پذیرفتند به «نمایندگانی اندک شمار» اجازه ملاقات بدهند. ولی «نمایندگان اندک شمار» ما به سی نفر رسید، چرا که شمار بیشتری از مردم از بین سربازان عبور کرده، به جمع نمایندگان پیوستند. نمایندگان از جاده پایین آمدند و ما توانستیم فلسطینی ها را که در آن طرف منتظرمان بودند ببینیم. در این هنگام دوباره فریاد می زدیم که «صلح - آری! اشغال-نه!» هنگامی که به فلسطینی ها رسیدیم، همدیگر را در آغوش گرفتیم، هر چند که بندرت یکدیگر را می شناختیم.

تحت تأثیر این عمل، مردم، ناخواسته به سوی پست بازرسی حرکت کردند، گر چه این بار صف محکمی از افراد مسلح در برابر ما شکل گرفت. ما هم بازو در بازو همدیگر انداخته، مستقیم به سوی آنان پیش رفتیم. خوشبختانه از سلاح های خود استفاده نکردند، ولی برای مقابله با ما بازوانشان را به هم زنجیر کردند. ولی آن سربازانی که نقطه قوت اخلاقی ندارند چگونه می توانستند احتمالاً پیروز شوند؟ در حالی که ما از این احساس شدید و نیرومند الهام می گرفتیم که کار درستی انجام می دهیم. هر دو طرف می کوشیدند یکدیگر را پس رانند، ولی به نظر می رسید نیروی هیچ کدام بردیگری نمی چربد و

در کنار یک دولت اسرائیلی می‌سوختیم. این‌گونه فعالیت اهمیت بسیار زیاد در ترغیب اسرائیلی‌ها به مخالفت آشکار با اشغال سرزمین‌های فلسطینی دارد. تأثیرنمادین فعالیت مورد نظر بر دیگر مردمان جهان نیز بسیار ارزشمند است. چنین راهپیمایی‌ها و اقدامات این تصور را در جهان ایجاد می‌کند که شمار چشمگیری از اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها دوشادوش هم در راه صلح مبارزه می‌کنند. از یک چنین موضعی مشترک، پیام‌های مشترک درباره جزئیات موافقت نامه صلح حتی قوت و تأثیری بیشتر خواهد داشت. این چارچوب سال‌ها محور فعالیت «اورشلیم لینک» - یک جنبش صلح زنان متعلق به اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها - بود، ولی با آغاز انتفاضه مسجدالاقصی، طرف فلسطینی از همکاری خودداری کرد. گرچه خود عرفات اخیراً محدودیت همکاری با سازمان‌های غیرحکومتی اسرائیل را، به شرطی که در آن سازمان‌ها معیارهایی معین را رعایت کنند، تعدیل کرده است، گروه‌های اسلامی و ملی‌گرای فعال در بین مردم عادی، گاهی مانع همکاری و اقدامات مشترک می‌شوند، و برخی مواقع حتی فلسطینی‌های میانه‌رو هم، هنگام تشدید خشونت در هر دو طرف، چوب لای چرخ همکاری می‌گذارند.

یادداشت‌ها

۱- بنگرید به:

"Peace Index- March 2001", Conducted by E. Yaar and T. Hermann, Tami Steinmetz Center for Peace Research, Tel Aviv University, www.tau.ac.il/peace/; and "Israeli Attitude Toward Peace," Conducted by Mina Zemach for Yedit Ahronto, March 30, 2001.
2. Reuven Kaminer, **The Politics of Protest: The Israeli Peace Movement and the Palestinian Intifada**, (Brighton, England, 1996), p.98.

سخن پایانی

از آغاز انتفاضه مسجدالاقصی، تنها اقدام مشهود